



فصلنامه علمی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء(س)

سال هفدهم، شماره ۴۰، بهار ۱۴۰۴

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۶۳-۳۹

## بررسی و تحلیل کارکرد راوی در مناسبات معنایی و انتقال مفاهیم کشف‌المحجوب\*

مجید هوشنگی<sup>۱</sup>، زهرا قربانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳

### چکیده

در دانش روایت‌شناسی، همواره نقش و کارکرد راوی‌ها در موضع انتقال معنا و بررسی چگونگی آن، مورد توجه تحلیل‌گران بوده است. از آنجایی که در متون عرفانی، فهم و درک معنای عمیق متن به‌طور مستقیم وابسته به نحوه روایت آن است، بررسی چگونگی استفاده از راوی‌ها در این متون می‌تواند به درک بهتر ساختار معنایی آن‌ها کمک کند. حال این پژوهش با روشی توصیفی تحلیلی با تبیین مبانی نظری روایت‌شناسان و بهره‌گیری عملیاتی از نظریه ژنت در بخش‌بندی و کارکرد انواع راوی، به بررسی کشف‌المحجوب هجویری پرداخته است تا حضور هر نوع راوی در انسجام ساختاری متن و تأثیر انواع آن بر روند درک معنا و آموزه‌های عرفانی را بررسی کند. درنهایت، نتایج این پژوهش نشان خواهد داد که در ابوابی که نویسنده به شرح احوال مشایخ و شرح فرقه‌های مختلف می‌پردازد، بیشترین تعداد راوی حضور دارد. راوی ضمنی یا انتزاعی که من دوم هجویری است، برای درک لایه‌های پنهان معنایی به کار گرفته می‌شود و با طبقات متفاوتی از خوانندگان عام و خاص در تناظر است؛ کاربست راوی در این

\* شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jml.2025.50559.2679

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران (نویسنده

مسئول): m.houshangii@alzahra.ac.ir

۲. کارشناسی‌ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران:

z.ghorbaniiii76@gmail.com

اثر، با تبیین غیرمستقیم مفاهیم پیچیده عرفانی و از طریق لایه‌های مخفی به صورتی هدفمند مرتبط است. راوی مخفی، عملاً تجربیات فردی عرفا را که قابل تعمیم نیست، از زبان راوی‌هایی ذهنی و آرمانی نقل می‌کند و متعاقباً بر مخاطب آرمانی و ضمنی تأثیر مستقیم خواهد گذاشت.

**کلیدواژه‌ها:** تجربه عرفانی، راوی درون متن، راوی مخفی، علی بن عثمان بن علی جلابی هجویری، کشف‌المحجوب.

## مقدمه

در حوزه نقد روایت‌شناسی، نظریه‌های مختلفی وجود دارد که به تحلیل انواع راوی‌ها، ساختار گفتمان و چگونگی ایجاد ارتباطات معنایی پرداخته‌اند. در این راستا، درک صحیح از تفاوت‌های میان راوی واقعی، راوی ضمنی و راوی درون‌متنی، همچنین بررسی روابط میان راوی‌ها و مخاطب، به گسترش فهم عرفانی و فلسفی در متن کمک می‌کند. از سویی، متون عرفانی همواره در پی انتقال مفاهیم عمیق معنوی و فلسفی به مخاطب هستند.

این متون به دلیل ماهیت تأثیرگذاری و گاه متأثر از حالات عرفانی راوی، از شیوه‌های خاص در ارائه داستان‌ها و حکایات، به منظور انتقال آموزه‌های پیچیده عرفانی بهره می‌برند. در میان آثار برجسته عرفانی، کشف‌المحجوب اثر علی بن عثمان هجویری، نه تنها به دلیل محتوای عمیق عرفانی خود، بلکه بابت ساختار روایتی پیچیده‌ای که دارد، یکی از آثار برجسته برای این دست تحلیل‌هاست.

در این اثر، هجویری از انواع مختلف راوی‌ها بهره می‌برد تا تجربیات و مفاهیم عرفانی را به شکلی مؤثرتر به مخاطب منتقل کند. این پژوهش تلاش می‌کند تا نشان دهد هجویری در کاربست انواع راوی به دنبال چه مقصود و کارکرد معرفتی است و چرایی انتخاب‌های او در نوع راوی، چه نسبتی با انتقال پیام معنوی و فلسفی اثر دارد. از آنجا که در متون عرفانی، ارتباط میان مؤلف، راوی و مخاطب به ویژه اهمیت ویژه‌ای دارد؛ برای تحلیل دقیق‌تر این فرایند، از مبانی نظری روایت‌شناسی میخائیل باختین<sup>۱</sup>، ژرار ژنت<sup>۲</sup>، رولان

---

1. Mikhail Bakhtin  
2. Gérard Genette

بارت<sup>۱</sup>، رومن یا کوبسن<sup>۲</sup> در تعریف و دسته‌بندی راوی استفاده شده است. این نظریات به‌ویژه در مورد ساختار زمان و مکان در روایت، چندصدایی، دیالوگ میان راوی‌ها، و تأثیر قدرت بر روایت و درک مخاطب کمک خواهند کرد. درنهایت، این مقاله به بررسی این نکته می‌پردازد که چگونه هر نوع راوی، با ویژگی‌ها و کاربردهای خاص خود، به ایجاد ارتباطات معنایی پیچیده‌ای کمک می‌کند و به مخاطب این امکان را می‌دهد که مفاهیم عرفانی را در سطوح مختلف درک کند. این تحلیل‌ها به درک عمیق‌تر و جامع‌تری از کشف‌المحجوب می‌انجامد و نحوه استفاده هجویری از راوی‌ها در راستای پیشبرد مفاهیم عرفانی را روشن می‌کند.

روش تحلیل توصیفی تحلیلی است که به بررسی چگونگی تأثیرگذاری این راوی‌ها بر ساختار معنایی و فهم مفاهیم عرفانی پرداخته و درنهایت، ارتباط میان این راوی‌ها و مؤلف‌های متن مانند راوی ضمنی و مخاطب را مورد بررسی قرار می‌دهد. حال مسئله محوری این پژوهش آن است که چگونه استفاده از انواع راوی‌ها در کشف‌المحجوب به ایجاد لایه‌های معنایی متعدد و غنی‌تر منجر می‌شود و چگونه این شیوه‌ها در فرایند ارتباط روایی اثرگذار هستند.

### پیشینه پژوهش

نظریه روایت و جایگاه راوی در متون عرفانی همواره از موضوعات محوری در مطالعات روایت‌شناسی بوده است. تحلیل شیوه‌های روایت و نحوه بهره‌گیری از راوی در انتقال مفاهیم عرفانی، به‌ویژه در آثاری چون کشف‌المحجوب، همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که هر چند پژوهش‌های متعددی به ساختار روایی متون عرفانی پرداخته‌اند، پژوهش‌های جامعی که به تحلیل نظام‌مند انواع راوی و تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری سطوح مختلف معنا در کشف‌المحجوب پردازند، کمتر صورت گرفته است. در ادامه، پژوهش‌های مرتبط در این حوزه بررسی و جایگاه پژوهش حاضر در میان آن‌ها تبیین می‌شود.

---

1. Roland Barthes  
2. Roman Jakobson

کریمی و قاسمی (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی تأویل اقوال مشایخ در کشف‌المحجوب هجویری»، نقش راوی را به‌عنوان واسطه‌ای برای تأویل و تفسیر اقوال مشایخ در کشف‌المحجوب بررسی کرده‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که چگونه روایت‌های هجویری از سخنان مشایخ، نه صرفاً نقل قول‌های مستقیم، بلکه تفسیری متناسب با رویکرد صوفیانه اوست. این پژوهش هرچند بر عملکرد تأویلی راوی تمرکز دارد، به تحلیل نظام‌مند گونه‌های مختلف راوی و نقش آن‌ها در ساختار روایت نمی‌پردازد.

حسینی و رضوانی (۱۳۹۸) در مقاله «شکل‌شناسی راوی در حکایات کرامت‌های عرفانی»، با رویکرد روایت‌شناسی، به بررسی نقش راوی در حکایات صوفیانه پرداخته و نشان داده است که در این حکایات، راوی غالباً در جایگاه شاهدی بیرونی قرار دارد که با حذف خود از روایت، نقش اثبات‌گر حقیقت را ایفا می‌کند. با این حال، این پژوهش تنها به دسته‌بندی راوی‌ها در حکایات عرفانی پرداخته و تحلیل ساختاری آن‌ها در کشف‌المحجوب را شامل نمی‌شود. فلاحی و سلیمانی (۱۳۹۶) در مقاله «کارکرد راوی و عمل روایت در مصیبت‌نامه عطار»، به تحلیل نقش راوی در مصیبت‌نامه عطار از منظر میزان مشارکت، پنهان یا آشکار بودن و میزان قابل‌اعتماد بودن پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عطار به‌طور عمدی از راوی‌هایی با سطوح مختلف آگاهی استفاده کرده است تا مرزهای میان دانای کل و راوی محدود را در هم بشکند. با این حال، پژوهش حاضر به‌طور خاص به انواع راوی در کشف‌المحجوب نمی‌پردازد و بر تحلیل روایت در آثار عطار متمرکز است.

شریفی و عباسی (۱۳۹۵) در مقاله «کارکرد روایی نشانه‌ها در حکایت رابعه از الهی‌نامه عطار»، با رویکرد نشانه‌شناختی، به تحلیل نقش راوی و نشانه‌های روایی در حکایت رابعه پرداخته است. پژوهشگران نشان داده‌اند که در این روایت، راوی علاوه بر نقش سنتی خود در روایتگری، از جایگاهی معنابخش نیز برخوردار است و خواننده را به کشف لایه‌های پنهان معنا هدایت می‌کند. این پژوهش بر تحلیل عناصر روایی متمرکز است، اما به دسته‌بندی جامع انواع راوی نمی‌پردازد.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که هرچند مطالعات متعددی به تحلیل روایت در کشف‌المحجوب و سایر متون عرفانی پرداخته‌اند، اما اغلب این پژوهش‌ها یا بر

ساختار کلی روایت متمرکز بوده‌اند یا تأثیر آن بر انتقال مفاهیم عرفانی را بررسی کرده‌اند. تاکنون مطالعه‌ای جامع انجام نشده است که به تحلیل نظام‌مند انواع راوی در کشف‌المحجوب پردازد و تأثیر آن را بر شکل‌گیری لایه‌های مختلف معنا بررسی کند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریه‌های روایت‌شناسی و تحلیل انواع راوی در کشف‌المحجوب، تلاش می‌کند به این خلأ پژوهشی پاسخ دهد. این مطالعه نشان خواهد داد که چگونه هجویری از ترکیب راوی‌های مختلف، شامل راوی درون‌متنی، راوی ضمنی، راوی مخفی، برای انتقال تجربه‌های عرفانی بهره می‌برد و چگونه این ساختار روایی به درک پیچیدگی‌های معنایی اثر کمک می‌کند.

### مبنای نظری

روایت و روایت‌شناسی که امروزه یکی از مهم‌ترین عرصه‌های نقد ادبی را به خود اختصاص داده است در طی دوره‌های تکامل خود کوشیده تا فراتر از چارچوب‌های جایگاه خود عمل کند و یک عنصر بینامتنی باشد. به‌عنوان فرایند انتقال اطلاعات، داستان‌ها و تجربه‌ها از راوی به مخاطب، در طول تاریخ از یک مفهوم ساده به ابزاری پیچیده برای انتقال معنا و معرفت تبدیل شده است. در متون عرفانی، روایت نه تنها برای بیان وقایع و حوادث استفاده می‌شود، بلکه به‌عنوان هدف اولیه، ابزاری برای انتقال مفاهیم معنوی و فلسفی عمل می‌کند. ژرارژنت مفهوم اول روایت را سخنی شنیداری یا نوشتاری می‌داند که به شرح واقعه یا زنجیره وقایع می‌پردازد. مفهوم دوم معنایی از روایت است که به سلسله وقایع واقعی یا خیالی، روابط چندگانه، پیوستگی‌ها، تضادها و بازگویی آن‌ها و مسائلی از این دست می‌پردازد. مفهوم سوم، قدیمی‌ترین مفهوم روایت، حادثه است؛ حادثه روایت کردن یک داستان توسط یک فرد است (رک. ژنت، ۱۳۹۹: ۱۸ و ۱۷).

اینجاست که روایت بازگویی اموری است که از نظر زمان و مکان از ما فاصله دارند: راوی حاضر و ظاهراً به مخاطب یا روایت‌شنو (خواننده یا شنونده) قصه نزدیک است، اما وقایع غایب و دورند (تولان، ۱۳۸۳: ۱۶). پس روایت به معنای وسیع‌تر از یک بیان داستانی، ابزاری برای ساخت و پردازش معنا و معرفت است. در نظریه‌های مختلف روایت‌شناسی، سه مؤلفه اساسی «فرستنده»، «پیام» و «گیرنده» به‌طور مشترک در بسیاری از الگوهای

ارتباطی روایت مطرح شده‌اند. این سه مؤلفه در کنار سایر عناصر مانند رمز و مجرا، باعث پیچیدگی و غنای بیشتر در فرایند ارتباط روایی می‌شوند (Jakobson, 1960: 54). پس یکی از مهم‌ترین مبانی روایت، حضور و فعلیت محوری راوی است که در نظریات متعدد ساختاری در تعریف نظریه‌پردازان قابل تبیین و بررسی است.

میکائیل باختین، یکی از نظریه‌پردازان برجسته روایت‌شناسی، در بحث راوی، مفهوم «چندصدایی» را به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تحلیل روایت در آثار ادبی معرفی کرده است. باختین در آثار خود، به‌ویژه در *داستایوفسکی و کم‌دی*، به این نکته اشاره کرده که در یک متن روایی، هر راوی، شخصیت یا دیدگاه می‌تواند به‌طور مستقل از دیگر صداها در متن حضور داشته باشد. به عبارتی، یک متن روایی می‌تواند چندین «صدا» و دیدگاه مختلف از حقیقت‌ها را هم‌زمان در برگیرد. او همچنین به مفهوم «دیالوگ» در روایت تأکید می‌کند که در آن، هر صدا و دیدگاه با دیگر صداها در ارتباط است. در *کشف‌المحجوب*، این «دیالوگ» میان راوی‌ها و نیز میان مؤلف و مخاطب، تأثیر زیادی بر درک و تحلیل مفاهیم عرفانی دارد. این دیالوگ‌ها ممکن است به‌طور آشکار یا غیرمستقیم اتفاق بیفتند، اما در هر صورت، پیوندهای معنایی عمیقی میان راوی‌ها و مخاطب برقرار می‌کنند (Bakhtin, 1981: 50).

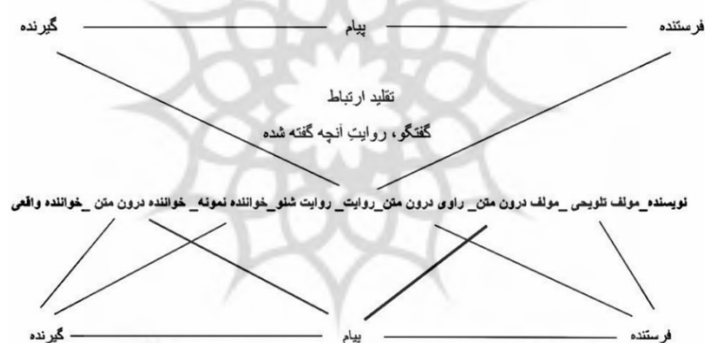
رولان بارت، در نظریات خود درباره ساختار متن و تأثیر آن بر تولید معنا، به‌ویژه در کتاب *The Pleasure of the Text*، در یک الگوی ارتباط روایی که کارکرد روایت را نمایش می‌دهد؛ معتقد است در روایت، مسئله اصلی ارتباط است؛ یک فرستنده و یک گیرنده در روایت وجود دارد. روایت بدون یک راوی و شنونده (یا خواننده) نمی‌تواند وجود داشته باشد. نقش فرستنده در مطالعه بیشتر «نویسنده» یک رمان ولی بی‌هیچ ملاحظه‌ای که آیا او واقعاً راوی است بسیار بسط می‌یابد. وقتی نظریه ادبی به خواننده می‌رسد مختصر می‌شود. در حقیقت درون‌نگری انگیزه‌های راوی یا تأثیرات فرآورده‌های روایت بر خواننده نیست، بلکه توضیح رمزگان به‌وسیله راوی و خواننده‌ای است که سرتاسر خود روایت را معنی می‌بخشد (رک. بارت، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۱).

از سوی دیگر، واین سی. بوث<sup>۱</sup> در کتاب *The Rhetoric of Fiction* مفهوم

---

1. Why n c booth

«مصدق‌پذیری راوی» را مطرح می‌کند که به میزان اعتماد مخاطب به راوی اشاره دارد. بوث تأکید می‌کند که اگر راوی به‌طور مؤثر و صادقانه داستان را نقل کند، مخاطب به او اعتماد خواهد کرد و این اعتماد موجب می‌شود که مخاطب بیشتر درگیر داستان و مفاهیم آن شود (Booth, 1961: 142). والاس مارتین نیز معتقد است نهضت ساختارگرایی، دایره راوی و مخاطب را از مرحله کلاسیک آن به یک سلسله روابط گسترده و درهم‌تنیده و درعین حال ساختارمند توسعه داد، اما در دوره ساختارگرایی مفاهیم دیگری همچون راوی تلویحی، راوی درون متن و راوی درون متن، به حوزه نظریه‌های ادبی وارد شد و مباحث چندجانبه‌ای توسط والاس مارتین به مقوله مهم زنجیره مؤلفه‌ها اضافه شد. والاس مارتین با اشاره به نظریات دیگر پژوهشگران توضیحات و نمودارهایی در باب انواع راوی و مخاطب ارائه می‌کند:



## انواع راوی

در روایت‌شناسی، راوی‌ها براساس موقعیتشان در متن و میزان آگاهی‌شان از وقایع و شخصیت‌ها تقسیم‌بندی می‌شوند. هر نوع راوی ویژگی‌ها و تأثیرات خاص خود را بر ساختار و معنای روایت می‌گذارد. انواع مختلف راوی‌ها می‌توانند تأثیر متفاوتی بر مخاطب و درک او از متن داشته باشند.

### ۱. راوی واقعی<sup>۱</sup>

قدیمی‌ترین تعریف از راوی واقعی را افلاطون در کتاب جمهوری شرح می‌دهد. او در این

1. authorial

کتاب انواعی از روایت ارائه می‌دهد که مبتنی بر اصل راوی است. او معتقد است که گاهی شاعر با ما سخن می‌گوید و چنین وانمود نمی‌کند که گوینده کس دیگری است (افلاطون، ۱۳۵۳: ۱۲۸). راوی واقعی به‌عنوان نویسنده‌ای ملموس و خارجی در نظر گرفته می‌شود که اثر را به‌طور واقعی خلق می‌کند. در دوره‌های کلاسیک، راوی واقعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در درک اثر به‌شمار می‌رفت و تحلیل زندگی و شخصیت نویسنده در فهم اثر اهمیت زیادی داشت (فلکی، ۱۳۸۲: ۱۲۰).

امبرتو اکو<sup>۱</sup> جایگاه راوی واقعی را به‌عنوان اصل مبنایی نوشتار شرح و توصیف کرده و برای تعیین حدود رابطه راوی با اثر، دو مفهوم مؤلف نمونه و مؤلف تجربی را مطرح کرده است. در نظریه ادبی اکو، مؤلف نمونه کسی است که در هنگام ایجاد اثر، زمینه را برای فرایند آفرینش معنایی متن فراهم می‌کند. در این جایگاه، مؤلف با ایجاد ابهامات و رازآمیز کردن فضای روایت دائماً در صدد است تا حس کنجکاوی، مخاطب فرضی را برانگیزد (Eco, 1976: 130-131). وولف اشمید<sup>۲</sup> روایت‌شناس آلمانی در کتاب *الگوی ارتباط بیرونی از راوی واقعی با عنوان راوی عینی*، یاد می‌کند و آن را «شخصی واقعی در تاریخ و خالق اثر که قسمتی از اثر نیست، بلکه مستقل از اثر وجود دارد» می‌داند (اشمید، ۱۳۹۴: ۵۹). ژپ لیت ولت با عنوان *نویسنده ملموس از این مفهوم یاد می‌کند* (لیت ولت، ۱۳۹۰: ۴) این پژوهش با توجه به الگوی ارتباطی والاس مارتین با عنوان *راوی واقعی* (نویسنده) از این مفهوم استفاده می‌کند.

## ۲. راوی ضمنی<sup>۳</sup>

راوی ضمنی یا پنهان، نه به‌عنوان یک شخصیت ملموس و واقعی، بلکه به‌عنوان یک عامل آرمانی و انتزاعی در متن حضور دارد. ژرار ژنت، یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان روایت‌شناسی، راوی ضمنی را به‌عنوان عاملی آرمانی معرفی کرده است که در متن وجود دارد، نه به‌عنوان یک شخصیت واقعی، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی که متن به مخاطب ارائه می‌دهد. به‌عبارت دیگر، راوی ضمنی به‌عنوان نیرویی تأثیرگذار در فهم معنای

---

1. Umberto Eco  
2. Wolf Schmid  
3. implied author

متن است که برخلاف راوی واقعی که ملموس است، بیشتر از طریق ویژگی‌های داخلی و ساختار متن درک می‌شود (Genette, 1983: 148).

راوی ضمنی یا پنهان، ذهنیات و درونیات نویسنده واقعی است که بین او و راوی واقعی و راوی آشکار تفاوت‌های زیادی وجود دارد. در این زمینه، ویکتور وینوگراووف<sup>۱</sup> به این موضوع اشاره می‌کند که تصویر مؤلف، به‌ویژه در متون هنری، چیزی فراتر از شخصیت واقعی او است و این تصویر از طریق فرم و ساختار متن در ذهن خواننده شکل می‌گیرد (اشمید، ۱۳۹۴: ۶۱).

این مفاهیم راوی ضمنی و پنهان به خواننده کمک می‌کنند تا به‌جای تمرکز تنها بر شخص راوی، به ساختار و پیام‌های درونی متن توجه کند. اثرگذاری راوی ضمنی بر روی اثر به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم اتفاق می‌افتد. ممکن است راوی ضمنی در قالب یکی از شخصیت‌های داستان در روایت حضور داشته باشد که در این صورت تأثیر غیرمستقیم دارد. همیشه اندیشه‌های بیان‌شده توسط راوی مستتر با راوی واقعی همراه نیست و حتی این اندیشه‌ها می‌تواند در تضاد باشد که در این صورت ما شاهد صدای مخالف در متن هستیم. نویسنده واقعی با استفاده از راوی پنهان این امکان را پیدا می‌کند که در داستان از مسائلی سخن به میان بیاورد که با عقاید و نظریات شخصی او در تضاد است. وجود راوی ضمنی در تفسیر متن به مخاطب کمک می‌کند، در واقع این مؤلف برساختی است که مخاطب از کل اثر به آن دست پیدا می‌کند.

### ۳. راوی درون متن<sup>۲</sup>

یکی دیگر از مفاهیم مهم در روایت‌شناسی، مفهوم «راوی درون متن» است. راوی درون متن شخصیتی است که مستقیماً در داستان حضور دارد و خود در جریان روایت شرکت می‌کند. این نوع راوی می‌تواند به‌طور فعال در گسترش داستان نقش داشته باشد و از زاویه دید خود به بیان وقایع و جزئیات بپردازد. در این نوع روایت، راوی معمولاً دارای آگاهی کامل از برخی رویدادهای داستان است و ممکن است از نظر زمانی و مکانی

---

1. Victor Vinogradov

2. Interadiegetic Narrator

به طور مستقیم در جریان داستان حضور داشته باشد. راوی درون متن معمولاً به عنوان فردی مستقل از نویسنده عمل می کند و از طریق مداخلات خود در متن، می تواند دیگر شخصیت ها را نیز در روایت شریک کند. تودوروف در این خصوص اشاره می کند که راوی عامل اصلی در ساخت و سازهای داستانی است و تمام اجزای تشکیل دهنده داستان باید از طریق راوی هدایت شوند (تودوروف، ۱۳۸۲: ۷۲-۷۱). این نوع راوی به ویژه در متون پیچیده و چندصدایی می تواند فضاهایی برای ظهور صداهای مختلف ایجاد کند.

#### ۴. راوی مخفی<sup>۱</sup>

راوی مخفی یکی از مفاهیم پیچیده در نظریه روایت شناسی است که ژرار ژنت در کتاب *Narrative Discourse* به آن اشاره کرده و به عنوان عاملی آرمانی و انتزاعی که از طریق ویژگی های متن فهمیده می شود، توضیح داده است (Genette, 1983: 148). این عنوان به یک نوع راوی اشاره دارد که در متن به طور مستقیم حضور ندارد، بلکه از طریق ساختار و ویژگی های درونی متن شناسایی می شود. این نوع راوی به طور غیرمستقیم، از طریق انتخاب های زبانی و ساختاری نویسنده، پیام ها و معنای پنهانی را منتقل می کند. به بیان دیگر، راوی مخفی عنصری است که نویسنده از طریق انتخاب های زبانی، سبک نوشتاری و رویکردهای ساختاری به طور غیرمستقیم آن را شکل می دهد.

این انتخاب ها پیام های پنهانی را به خواننده منتقل می کنند که گاهی فراتر از محتوای آشکار متن است. ژنت در این کتاب اشاره می کند که راوی مخفی، برخلاف راوی های آشکار که به وضوح در داستان حضور دارند یا با مخاطب ارتباط برقرار می کنند، در لایه های زیرین متن پنهان است و بیشتر به عنوان یک عامل آرمانی یا انتزاعی شناخته می شود. او این مفهوم را با واژه های «حضور ضمنی»<sup>۲</sup> و «راوی پنهان» توصیف کرده و بر این نکته تأکید دارد که این راوی از طریق «جهت دهی معنایی» به متن و ایجاد نوعی انسجام معنایی نقش خود را ایفا می کند.

ژنت به این نکته اشاره می کند که راوی مخفی می تواند براساس نحوه سازماندهی

---

1. Hidden Narratore  
2. Implicite Presence

عناصر روایت، مانند زمان‌بندی، کانون‌سازی<sup>۱</sup> و شیوه‌های انتخاب واژگان، خود را به خواننده نشان دهد. او معتقد است که این راوی، برخلاف راوی‌های صریح، فاقد صدای مستقل و مستقیم است و تنها از طریق «ردپای معنایی» که در متن باقی می‌گذارد، قابل شناسایی است. (رک: همان) راوی مخفی با انتخاب‌های زیر در انتقال پیام‌ها و معانی ضمنی نقش آفرینی می‌کند:

الف. سبک زبانی: نویسنده از طریق انتخاب سبک خاصی از زبان، مانند استفاده از واژگان خاص، جملات طولانی یا کوتاه، و ترکیب‌بندی‌های زبانی غیرمعمول، حضور راوی مخفی را برجسته می‌کند. این سبک زبانی می‌تواند به خواننده القا کند که چگونه باید متن را تفسیر کند.

ب. ساختار روایت: راوی مخفی از طریق ساختار روایی، مانند ترتیب زمانی، ارجاعات متنی، و تعامل میان راوی و مخاطب، خود را نشان می‌دهد. این ویژگی‌ها معمولاً در لایه‌های زیرین روایت پنهان هستند.

ج. پیام‌های متناقض یا چندلایه: راوی مخفی اغلب از طریق تضادهای معنایی یا ابهام‌های موجود در متن، خواننده را وادار می‌کند که به دنبال معانی پنهان و غیرمستقیم بگردد.

ژنت در کتاب خود، راوی مخفی را به‌عنوان نوعی سازه ذهنی توصیف می‌کند که «دستورالعمل‌های معنایی» را به خواننده ارائه می‌دهد، اما هرگز به‌طور مستقیم با او صحبت نمی‌کند. برای مثال، ژنت در تحلیل رمان *در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته* اثر مارسل پروست، به‌ویژه در فصل مربوط به کانون‌سازی، به بررسی نحوه روایت در آثار او می‌پردازد. او توضیح می‌دهد که چگونه پروست با استفاده از تکنیک‌های روایی مختلف، فاصله‌ای میان نویسنده واقعی و راوی داستان ایجاد می‌کند. این فاصله به خواننده امکان می‌دهد تا لایه‌های پنهان معنا را کشف کند.

به‌عنوان مثال، ژنت به بخشی از رمان پروست اشاره می‌کند که در آن، راوی به توصیف احساسات و افکار شخصیت‌ها می‌پردازد، بدون این که مستقیماً نظرات خود را بیان کند.

این نوع روایت که ژنت آن را «کانون‌سازی درونی»<sup>۱</sup> می‌نامند، به خواننده اجازه می‌دهد تا از طریق دیدگاه شخصیت‌ها، به درک عمیق‌تری از داستان برسد، درحالی‌که حضور راوی به صورت ضمنی احساس می‌شود. ژنت در کتاب *Narrative Discourse* می‌نویسد: «در روایت پروست، راوی ضمنی به طرز ماهرانه‌ای ادراک خواننده را از طریق کانونی‌سازی درونی هدایت می‌کند و اجازه می‌دهد تا افکار و احساسات درونی شخصیت‌ها ظاهر شود و درعین حال حضور روایی ضمنی را حفظ کند» (Genette, 1983: 189). این مثال نشان می‌دهد که چگونه راوی ضمنی از طریق انتخاب‌های ساختاری و زبانی، بدون حضور مستقیم، به هدایت درک خواننده از داستان می‌پردازد.

### بررسی و تحلیل داده‌ها

در کتاب *کشف‌المحجوب*، علی‌بن‌عثمان هجویری با استفاده از ساختار روایی پیچیده، دو عنصر کلیدی مؤلف و راوی را به‌طور ویژه در تعامل با یکدیگر قرار داده است. این تعامل، ضمن ایجاد فضایی معنوی برای مخاطب، ساختار متن را از یک داستان ساده عرفانی به یک اثر چندلایه تبدیل کرده است که در آن، مؤلف و راوی نه تنها مفاهیم را بیان می‌کنند، بلکه در انتقال آن‌ها به مخاطب نیز نقشی اساسی ایفا می‌کنند. در *کشف‌المحجوب*، مؤلف به‌طور مستقیم از تجربیات خود در زمینه تصوف و عرفان سخن می‌گوید، اما راوی به‌عنوان واسطه‌ای میان مؤلف و مخاطب عمل می‌کند.

این دو شخصیت، به‌طور هماهنگ و درعین حال مستقل از یکدیگر، روایت داستان‌های عرفانی و صوفیانه را به شیوه‌ای چندگانه و معنایی پیچیده ارائه می‌دهند. حال با توجه به نظام مؤلف‌های یادشده در متن، به بررسی این نظام در *کشف‌المحجوب* پرداخته خواهد شد:

### ۱. راوی واقعی

در مطالعات ادبی، مفهوم «مؤلف واقعی» به نویسنده‌ای اطلاق می‌شود که خارج از متن و در دنیای واقعی وجود دارد و پیام‌های خود را از طریق ساختار و محتوای اثر به مخاطب منتقل می‌کند. این مؤلف نه تنها درونیات و دیدگاه‌های خود را از طریق شخصیت‌ها و رویدادهای داستان بیان می‌کند، بلکه به‌طور غیرمستقیم با استفاده از زبان و ساختار متن،

دنیای بیرونی و واقعی خود را نیز در اثر بازتاب می‌دهد. در مورد *کشف‌المحجوب*، مؤلف واقعی این اثر ابوالحسن علی بن عثمان هجویری است که از طریق نگارش این کتاب، پیام‌های عرفانی و صوفیانه خود را به مخاطب منتقل کرده است.

هجویری در *کشف‌المحجوب*، هر چند به طور مستقیم درون متن به عنوان یک شخصیت فعال ظاهر نمی‌شود، از طریق تدوین و سازمان‌دهی محتوا، پیام‌های خود را به طور غیرمستقیم به مخاطب منتقل می‌کند. او در قالب یک راوی ضمنی که در لایه‌های معنایی اثر نهفته است، به طور شفاف و دقیق مفاهیم پیچیده عرفانی را به خوانندگان منتقل می‌سازد. این کتاب که در آن هجویری به شرح اصول تصوف و سیر سلوک صوفیانه می‌پردازد، نه تنها یک اثر تئوریک، بلکه یک راهنمای عملی برای کسانی است که در جست‌وجوی حقیقت و سلوک معنوی هستند.

راوی واقعی در *کشف‌المحجوب* به عنوان یک «راهنما» یا «مرئی معنوی» عمل می‌کند، که از طریق استفاده از زبان ساده و قابل درک، آموزه‌های پیچیده عرفانی را برای خوانندگان زمان خود و حتی نسل‌های بعدی قابل دسترس می‌کند. هجویری در این اثر به طور ویژه به مفاهیمی چون زهد، تقوی، وحدت وجود و تجلی حق می‌پردازد و این مفاهیم را با زبانی آموزنده و درعین حال فلسفی شرح می‌دهد. در واقع، او در این کتاب به عنوان مؤلفی شناخته می‌شود که خود را در پس پرده روایت‌های عرفانی پنهان می‌کند، اما آموزه‌ها و اصول خود را به طور روشن و تأثیرگذار به مخاطب انتقال می‌دهد. این شیوه از نویسندگی، جایی که مؤلف به طور ضمنی و غیرمستقیم در متن حضور دارد، در ادبیات عرفانی معمول است و به مؤلف این امکان را می‌دهد که مخاطب را به طور عمیق‌تری درگیر پیام‌های معنوی و عرفانی خود کند. در نتیجه، هجویری در *کشف‌المحجوب*، هر چند که خود را به عنوان راوی واقعی در درون متن نشان نمی‌دهد، از طریق ساختار و محتوای اثر، به طور غیرمستقیم و مؤثر با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند و آموزه‌های عرفانی خود را در قالب یک راهنمای معنوی به مخاطب ارائه می‌دهد.

## ۲. راوی درون متن

در *کشف‌المحجوب*، راوی‌های درون متن به طور مستقیم در متن حضور دارند و داستان‌ها

و تجربیات معنوی را از دیدگاه خود روایت می‌کنند. هجویری در این بخش‌ها از راوی‌های اول شخص بهره می‌برد که اغلب به‌عنوان شاهدانی درونی و تجربی عمل می‌کنند. این راوی‌ها بیشتر از تجربیات شخصی خود در زمینه تصوف سخن می‌گویند و نقش مهمی در انتقال مفاهیم عرفانی به مخاطب ایفا می‌کنند. به‌عنوان نمونه، در بخش‌هایی از کشف‌المحجوب، هجویری با استفاده از زبان اول شخص، تجربیات صوفیانه و معنوی خود را با خوانندگان در میان می‌گذارد.

برای مثال، در جایی می‌نویسد: «و اندر حکایات یافتیم که: روزی جنید و ابن عطا، رحمه‌الله، را در این مسئله سخن همی‌رفت. ابن عطا دلیل آورد بر آن که» (هجویری، ۱۴۰۰: ۴۱ و ۳۵ و ۳۴) یا آن که در بخش دیگری آورده است: «اکنون این مقدار از تحقیق و مقالات مشایخ، رحمهم الله، اندر این کتاب بیاوردم اندر این باب تصوف، تا بر تو، اسعدک الله، طریق این گشاده گردد و مر منکران را گویی که: مرادتان به انکار تصوف چیست؟ اگر اسم مجرد را انکار کنند، باک نیست که معانی اندر حق تسمیات بیگانه باشد و اگر عین این معانی را انکار کنند، انکار کل شریعت پیغمبر علیه‌السلام و خصال ستوده کرده باشند» (رک. همان: ۶۰ و ۴۵). این بخش که به‌طور مستقیم از زبان راوی درونی بیان می‌شود، نشان‌دهنده تجربیات هجویری است و به‌طور مستقیم به مخاطب واقعی منتقل می‌شود.

یا در باب فقر نویسنده با عبارت من که علی بن عثمان الجلابی ام نظرات خود را درباره فقر و غنا مطرح می‌کند. از نظر هجویری غنا شایسته خداوند است و خلق سزاوار فقر است. «من همی گویم که علی بن عثمان الجلابی ام وقفنی الله بالخیر که: غنا مر حق را نامی است به‌سزا و خلق مستحق این نام نباشد و فقر مر خلق را نامی است به‌سزا و برحقیقت بود» (رک. همان: ۳۴ و ۳۳ و ۳۲). در مجموع می‌توان مشاهده کرد که در کشف‌المحجوب ۳۰۲ بار از راوی درون متن استفاده شده است.

ردیف	فصل	شماره صفحات <sup>۱</sup>	تعداد تکرار
۱	دیباچه	۲، ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵	۱۴
۲	باب العلم	۲۴، ۲۵	۲
۳	باب الفقر	۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۱، ۴۲	۶
۴	باب التصوف	۴۵، ۶۰	۲
۵	باب لیس المرفعات	۶۷، ۷۱/۲، ۷۷/۲	۵
۶	باب اختلافهم فی الفقر و الصّفوه	۸۲	۱
۷	باب الملامه	۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۴	۵
۸	باب فی ذکر ائمتّهم من الصّحابه و التّابعین و متابعیهم	۹۵، ۱۰۰	۲
۹	باب فی ذکر ائمتّهم من اهل البيت	۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸/۲	۷
۱۰	باب فی ذکر اهل الصّفّه	۱۲۲	۱
۱۱	باب فی ذکر ائمتّهم من التّابعین	۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۰/۲	۴
۱۲	باب فی ذکر ائمتّهم من أتباع التّابعین	۱۳۵، ۱۳۶/۲، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰/۳، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۵/۲، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸/۲، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳/۲، ۱۸۴/۲، ۱۸۵/۲، ۱۸۶، ۱۸۷/۲، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳/۲، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶/۲، ۱۹۸، ۱۹۹/۲، ۲۰۱/۲، ۲۰۲، ۲۰۳/۲، ۲۰۵/۲، ۲۰۶/۲، ۲۰۷/۲، ۲۰۸، ۲۱۱/۲، ۲۱۲، ۲۱۴	۹۵

ردیف	فصل	شماره صفحات <sup>۱</sup>	تعداد تکرار
		،۲۱۵/۲ ، ۲۱۶ ، ۲۱۷/۲ ، ۲۱۸ ، ۲۱۹ ، ۲۲۰ ، ۲۲۱ ، ۲۲۲ ، ۲۲۴ ، ۲۲۵/۲ ، ۲۲۶ ، ۲۲۸ ، ۲۳۱ ، ۲۳۳/۲ ، ۲۳۴ ، ۲۳۵ ، ۲۳۷/۲ ، ۲۳۸/۲ ، ۲۳۹ ، ۲۴۰ ، ۲۴۱/۲ ، ۲۴۲ ، ۲۴۳ ، ۲۴۴	
۱۳	باب فی ذکر ائمتهم من المتأخرین	،۲۴۷/۲ ، ۲۴۸/۴ ، ۲۵۰/۲ ، ۲۵۱/۲ ، ۲۵۲/۲ ، ۲۵۳ ، ۲۵۴ ، ۲۵۵ ، ۲۵۶ ، ۲۵۷/۲ ، ۲۵۸/۳	۲۱
۱۴	باب فی ذکر رجال الصوئیه من المتأخرین علی الاختصار من اهل البلدان	،۲۶۱/۲ ، ۲۶۲/۲ ، ۲۶۴	۵
۱۵	باب فی فرق فرقتهم و مذاهبهم و آیاتهم و مقاماتهم و حکایاتهم	،۲۶۷ ، ۲۶۸ ، ۲۷۱ ، ۲۷۳ ، ۲۷۴ ، ۲۷۶/۲ ، ۲۷۷/۳ ، ۲۷۸ ، ۲۷۹/۲ ، ۲۸۲ ، ۲۸۵/۲ ، ۲۸۳ ، ۲۸۶/۲ ، ۲۸۹ ، ۲۹۰/۲ ، ۲۹۲/۲ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸ ، ۳۰۵ ، ۳۱۴ ، ۳۱۶ ، ۳۱۹/۲ ، ۳۲۱ ، ۳۲۳ ، ۳۳۶ ، ۳۳۷ ، ۳۳۸/۲ ، ۳۴۵/۴ ، ۳۴۶ ، ۳۵۰ ، ۳۵۲ ، ۳۵۳ ، ۳۵۶/۲ ، ۳۵۹ ، ۳۶۰ ، ۳۶۱/۲ ، ۳۶۲ ، ۳۶۵ ، ۳۶۷ ، ۳۸۲ ، ۳۸۹	۵۷
۱۶	کشف الحجاب الثانی فی التوحید	،۴۰۹/۲ ، ۴۱۰/۲ ، ۴۱۵ ، ۴۱۷	۶
۱۷	کشف الحجاب الثالث فی الايمان	،۴۲۳ ، ۴۲۴	۲
۱۸	کشف الحجاب الرابع فی الطهاره	،۴۲۹/۲ ، ۴۳۴ ، ۴۳۵ ، ۴۳۷	۵
۱۹	کشف الحجاب الخامس فی الصلوة	،۴۴۰ ، ۴۴۱ ، ۴۴۹ ، ۴۵۲ ، ۴۵۸	۵
۲۰	کشف الحجاب السادس فی الزکوة	،۴۶۰ ، ۴۶۴/۲ ، ۴۶۵	۴

ردیف	فصل	شماره صفحات <sup>۱</sup>	تعداد تکرار
۲۱	کشف الحجاب السابع فی الصوم	۴۷۸، ۴۷۴/۲، ۴۷۱	۴
۲۲	کشف الحجاب الثامن فی الحج	۴۸۴، ۴۸۳	۲
۲۳	کشف الحجاب التاسع فی الصحبة مع آدابها و احکامها	۴۹۱، ۴۹۳، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۰۶/۲، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸/۲، ۵۱۹، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۳۵	۲۴
۲۴	کشف الحجاب العاشر فی بیان منطقهم و حدود الفاظهم و حقائق معانیهم	۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۷/۲، ۵۵۲، ۵۵۵، ۵۶۴، ۵۶۹	۱۱
۲۵	کشف الحجاب الحادی عشر فی السماع و بیان انواعه	۵۷۱، ۵۸۵/۲، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۵، ۶۰۹، ۶۱۰	۱۲
		مجموع	۳۰۲

### ۳. راوی ضمنی

نویسنده ضمنی کشف المحجوب، من دوم هجویری است که از زمان تحریر کتاب توسط نویسنده به وجود می آید و تا پایان نگارش حضور دارد. به محض این که نویسنده دست از نوشتن برمی دارد حضور نویسنده ضمنی از بین می رود. به نوعی دیگر می توان گفت نویسنده ضمنی بر ساختی است که مخاطب بعد از مطالعه متن از نویسنده واقعی به دست می آورد و ذهنیتی از وی در ذهنش ساخته می شود. در کتاب های تعلیمی و حکمی حضور نویسنده ضمنی غالب است. راوی های درون متن و کنشگران هر روایت توسط نویسنده ضمنی وارد متن می شوند. وجود راوی ضمنی به ایجاد صدای مخالف در متن کمک

می‌کند، اما اگر تناقض میان عقاید، ارزش‌ها و تفکرات نویسندهٔ ضمنی و نویسندهٔ واقعی مشهود و مکرر باشد، اعتبار متن زیر سؤال می‌رود.

راوی ضمنی نقش مهمی در ساختار پیچیدهٔ متن ایفا می‌کند. راوی ضمنی در کشف/المحجوب از طریق استعاره‌ها و نمادها، به‌طور غیرمستقیم مفاهیم عرفانی را منتقل می‌کند. در این قسمت‌ها، راوی از زبان استعاری استفاده کرده و مفاهیم پیچیده‌تری را برای مخاطب ضمنی بیان می‌کند. این خواننده است که باید با تأمل و تفکر، لایه‌های پنهان معنایی را کشف کند. این راوی در کشف/المحجوب حضور جدی دارد و هجویری به‌طور مکرر از نشانه‌های نمادینی برای این نوع راوی بهره می‌برد که «راه مستقیم»، «نور» و «خود» از زمرهٔ آنان است. این مفاهیم به‌طور غیرمستقیم به مخاطب ضمنی نیز منتقل می‌شوند و خواننده باید با دقت و تأمل به بررسی آن‌ها بپردازد تا معنای عمیق‌تری از آن‌ها دریافت کند. این نوع روایت به‌طور خاص برای مخاطبانی است که از درک بالاتری برخوردارند و می‌توانند از لایه‌های پنهان متن بهره‌برداری کنند.

#### ۴. راوی مخفی

راوی‌های مخفی در کشف/المحجوب، اغلب به‌طور غیرمستقیم در متن حضور دارند و از طریق استعاره‌ها و نمادها، مفاهیم پیچیده‌تری را منتقل می‌کنند. این راوی‌ها معمولاً به‌طور غیرمستقیم از تجربیات معنوی سخن می‌گویند و به‌عنوان واسطه‌ای برای انتقال پیام‌های عرفانی عمل می‌کنند. این راوی در متن عرفانی هجویری دو رسالت مهم بر عهده دارد؛ نخست **ایجاد لایه‌های معنایی پیچیده‌تر** که در آن هجویری از راوی‌های مخفی برای ایجاد معنای پنهان و عمیق‌تر استفاده می‌کند. این راوی‌ها از طریق استعاره‌ها و نمادها، پیام‌های عرفانی را به‌طور غیرمستقیم انتقال می‌دهند. دیگر رسالت آن **ایجاد چالش درک برای مخاطب ضمنی و آرمان**، در این نوع روند مخاطب ضمنی و آرمانی باید با تأمل بیشتر این پیام‌ها را تجزیه و تحلیل کند.

راوی‌های مخفی در باب فقر با عباراتی مانند **همی آید، گروهی، یکی از متأخران** به روایت پرداخته‌اند. نویسنده حکایتی از شخصی ناشناس نقل می‌کند تا اهمیت فقر را نشان دهد و در مورد دیگری نظرات گروهی از عوام را شرح می‌دهد تا به رد عقاید آنان

فصلنامه علمی ادبیات عرفانی، سال ۱۷، شماره ۴۰، بهار ۱۴۰۴ / ۵۷

بپردازد. «همی آید که درویشی را با ملکی ملاقات افتاد. ملک گفت: حاجتی بخواه. گفت: من از بندهٔ بندگان خود حاجت نخواهم» (همان: ۳۱) «و نیز گروهی از عوام گویند: توانگر را فضل نهم بر درویش؛ ازیرا چه خداوند، تعالی، او را اندر دو جهان سعید آفریده است و منت به توانگری بر وی نهاده» (همان: ۳۳) «و یکی از متأخران گوید: لیس الفقیر من دخلا من الزاد، انما الفقیر من خلأ من المراد» (همان: ۳۶) «و بعضی از متأخرین گفته‌اند: الفقر عدم بلا وجود» (همان: ۴۰). در مجموع و طبق آمار در کشف‌المحجوب ۲۳۸ بار از راوی مخفی استفاده شده است.

ردیف	فصل	شمارهٔ صفحات	تعداد
۱	دیباچه	۱۱	۱
۲	باب العلم	۲۸، ۲۴	۲
۳	باب الفقر	۴۰، ۳۶، ۳۳، ۳۱	۴
۴	باب التصوف	۶۰	۱
۵	باب لیس المرفقات	۷۲، ۶۷، ۶۵	۳
۶	باب اختلافهم فی الفقر و الصّفوه	۸۲	۲
۷	باب فی ذکر ائمتّهم من الصّحابه و التّابعین و متابعیهم	۹۹	۱
۸	باب فی ذکر ائمتّهم من اهل البیت	۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۴/۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹	۸
۹	باب فی ذکر ائمتّهم من أتباع التّابعین	۱۴۸، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۶، ۱۴۹/۲، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۵/۲، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸/۲، ۱۶۹، ۱۷۰/۲، ۱۷۵، ۱۷۷/۲، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۸۹/۳، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۷/۲، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲/۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۳۶، ۲۳۸	۴۸
۱۰	باب فی ذکر ائمتّهم من المتأخّرين	۲۴۶	۱

۶۷	<p>۲۶۸، ۲۷۳/۲، ۲۷۵، ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۸۳،                  ۲۸۴، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۶،                  ۲۹۷/۲، ۲۹۸/۳، ۳۰۲، ۳۰۳/۲، ۳۰۵،                  ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹/۲، ۳۱۰، ۳۱۵، ۳۲۲/۳،                  ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۶/۲، ۳۲۷/۲، ۳۳۱، ۳۳۲،                  ۳۳۳، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۴/۴، ۳۴۶/۴،                  ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۶۲،                  ۳۷۱/۲، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۳/۲، ۳۸۷</p>	باب فی فرقی فرقههم و مذاهبهم و آیاتهم و مقاماتهم و حکایاتهم	۱۱
۵	۳۹۲، ۳۹۶/۲، ۳۹۹، ۴۰۳	کشف الحجاب الاول فی معرفه الله، تعالی	۱۲
۲	۴۱۳، ۴۱۷	کشف الحجاب الثانی فی التوحید	۱۳
۳	۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱	کشف الحجاب الثالث فی الایمان	۱۴
۹	۴۴۲/۳، ۴۲۸/۵، ۴۳۱	کشف الحجاب الرابع فی الطهاره	۱۵
۱۹	<p>۴۴۱، ۴۴۳/۳، ۴۴۴، ۴۴۷/۳، ۴۴۸/۳،                  ۴۴۹، ۴۵۲، ۴۵۳/۳، ۴۵۵، ۴۵۸</p>	کشف الحجاب الخامس فی الصلوة	۱۶
۴	۴۶۰، ۴۶۵، ۴۶۶/۲	کشف الحجاب السادس فی الزکوة	۱۷
۴	۴۷۲/۲، ۴۷۳/۲	کشف الحجاب السابع فی الصوم	۱۸
۲	۴۸۷، ۴۸۹	کشف الحجاب الثامن فی الحج	۱۹
۱۸	<p>۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۷، ۵۰۰، ۵۰۳، ۵۰۵،                  ۵۰۶/۲، ۵۱۳/۲، ۵۱۹/۲، ۵۲۰، ۵۲۲،                  ۵۲۳/۲، ۵۲۶، ۵۳۵</p>	کشف الحجاب التاسع فی الصّحبة مع آدابها و أحكامها	۲۰
۱۱	<p>۵۴۲، ۵۴۳/۲، ۵۴۶، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۴،                  ۵۵۵، ۵۶۳، ۵۶۹/۲</p>	کشف الحجاب العاشر فی بیان منطقهم و حدود الفاظهم و حقائق معانیهم	۲۱
۲۳	<p>۵۷۴، ۵۷۵/۴، ۵۸۳/۲، ۵۸۸، ۵۹۱، ۵۹۲/۲،                  ۵۹۷/۲، ۵۹۸، ۶۰۱/۳، ۶۰۳/۳، ۶۰۵، ۶۰۶</p>	کشف الحجاب الحادی عشر فی السماع و بیان انواعه	۲۲
۲۳۸	مجموع		۲۳

## نتیجه گیری

در نگاهی آماری و در ابتدای امر دریافت خواهد شد که روند استفاده از انواع راوی در کتاب فقط از نظر تعداد متغیر است. در باب‌هایی که نویسنده به شرح احوال مشایخ و شرح فرقه‌های مختلف می‌پردازد با بیشترین تعداد راوی روبه‌رو هستیم. نویسنده ضمنی این روایت سعی بر آن دارد که با ارائه نظریات خود همراه با مستندات دینی و روایی مفاهیم عرفانی را در ذهن مخاطب تثبیت کند. نویسنده ضمنی یا انتزاعی که من دوم هجویری محسوب می‌شود از مخاطب آرمانی خود انتظار دارد مفاهیم ارائه‌شده را درک کند، بپذیرد و به نصایح وی جامه عمل بپوشاند. استفاده از ۲۶۳ راوی مخفی در متن *کشف‌المحجوب*، خواننده انتزاعی را برای پذیرش صحت مطالب به شک می‌اندازد. از طرف دیگر نویسنده واقعی ۳۲۱ بار از طریق راوی درون متن وارد روایت شده و به اظهار نظرات شخصی، شرح حکایت یا صحبت با روایت‌شمار می‌پردازد؛ این موارد نه تنها باعث عدم اعتبار راوی می‌گردد، بلکه ذهنیت مخاطب را نسبت به صحت مطالب دچار تردید می‌کند. با توجه به انواع راوی در *کشف‌المحجوب* در بررسی کلی دریافت خواهد شد که این متن، روایتی چند لایه است و هجویری با استفاده از راوی‌های درون متن، راوی‌های مخفی مفاهیم عرفانی و صوفیانه را از سطوح مختلف به خوانندگان منتقل می‌کند. این ساختار پیچیده موجب می‌شود که مخاطب واقعی، مخاطب ضمنی هر کدام درک متفاوتی از مفاهیم پیدا کنند.

مخاطب واقعی به‌طور مستقیم از راوی درون متن استفاده می‌کند و مفاهیم اصلی تصوف به‌طور شفاف و بی‌پرده به او منتقل می‌شود. مخاطب ضمنی از راوی‌های مخفی برای درک لایه‌های پنهان معنایی استفاده می‌کند و مفاهیم پیچیده‌تری را از طریق استعاره‌ها درک می‌کند. این لایه‌بندی معنایی نشان می‌دهد که *کشف‌المحجوب* از نظر ساختار راوی، به گونه‌ای هوشمندانه طراحی شده است تا با لایه‌های متفاوتی از خوانندگان مواجهه داشته باشد و در چند سطح و به‌طور متفاوت در انتقال مفاهیم حرکت کند. از سویی دیگر، استفاده از راوی‌های مخفی این نتیجه را به ذهن متبادر می‌کند که هجویری سعی دارد تا به‌طور غیرمستقیم مفاهیم پیچیده عرفانی را از طریق لایه‌های مخفی به مخاطب خاص انتقال دهد. راوی‌های مخفی در *کشف‌المحجوب* به‌طور عمده در بخش‌هایی به کار می‌روند که

۶۰ / بررسی و تحلیل کارکرد راوی در مناسبات معنایی و انتقال مفاهیم کشف/المحجوب / هوشنگی و ...

هجویری مفاهیم پیچیده‌تری را توضیح می‌دهد که نمی‌توان آن‌ها را به‌طور مستقیم بیان کرد.

راوی‌ها در کشف/المحجوب علاوه بر انتقال مفاهیم داده‌ها، به‌عنوان ابزاری برای انتقال تجربه‌ها نیز عمل می‌کنند. راوی درون متن از طریق زبان اول شخص تجربیات خود را از سلوک عرفانی به خواننده منتقل می‌کند. درحالی‌که راوی‌های مخفی و راوی‌های مشایخ بیشتر به‌عنوان افرادی عمل می‌کنند که حکمت‌های معنوی و عرفانی را از زبان تجربه‌های عرفانی دیگران روایت می‌کنند و تجربیات فردی عرفا که قابل تعمیم نیست، از زبان راوی‌هایی ذهنی و آرمانی نقل می‌شود و متعاقباً بر مخاطب آرمانی و ضمنی تأثیر مستقیم گذاشته و حجیت خواهد یافت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- افلاطون. (۱۳۵۳). جمهوری. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: خوشه.
- اشمید، وولف. (۱۳۹۴). درآمدی بر روایت‌شناسی. ترجمه تقی پورنامداریان و نیره پاک‌مهر. تهران: سیاه‌رود.
- بارت، رولان. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها. ترجمه محمد راغب. تهران: رخ داد نو.
- تودوروف، تزوتان. (۱۳۸۲). بوپتیقای ساختارگرا. ترجمه محمد نبوی. تهران: آگاه.
- تولان، مایکل جی. (۱۳۸۳). درآمدی نقادانه زبان‌شناختی بر روایت. ترجمه ابوالفضل حری. تهران: انتشارات بنیاد سینمای فارابی.
- ژنت، ژرار. (۱۳۹۹). گفتمان روایی. ترجمه مریم طیور پرواز. تهران: نشر مهراندیش.
- فلکی، محمود. (۱۳۸۲). روایت داستان. تهران: بازتاب نگار.
- لینت ولت، ژپ. (۱۳۹۰). رساله‌ای در باب گونه‌شناسی روایت، نقطه دید. ترجمه علی عباسی و نصرت حجازی. تهران: علمی فرهنگی.
- هجویری، علی بن عثمان. (۱۴۰۰). کشف‌المحجوب. به تصحیح محمود عابدی. تهران: سروش.
- Genette, Gérard. (1983). Narrative Discourse: An Essay in Method. Translated by Jane E. Lewin. Ithaca: Cornell University Press, p. 148.
- Bakhtin, Mikhail. (1981). The Dialogic Imagination: Four Essays. Edited by Michael Holquist, translated by Caryl Emerson and Michael Holquist. Austin: University of Texas Press.
- Booth, W. C. (1961). The Rhetoric of Fiction. Chicago: University of Chicago Press.
- Eco, Umberto (1976), A Theory of Semiotics, Bloomington: Indiana University press.

### References

- Plato. (1974). *The Republic*. Translated by Mohammad Hassan Lotfi. Tehran: Khosheh. [In Persian]
- Schmid, Wolf. (2015). *An Introduction to Narratology*. Translated by Taghi Pournamdarian & Nira Pakmehr. Tehran: Siahrood. [In Persian]
- Barthes, Roland. (2008). *An Introduction to the Structural Analysis of Narratives*. Translated by Mohammad Ragheb. Tehran: Rokh Dad-e No. [In Persian]
- Todorov, Tzvetan. (2003). *Structuralist Poetics*. Translated by Mohammad Nabavi. Tehran: Agah. [In Persian]
- Toolan, Michael J. (2004). *A Critical Linguistic Introduction to Narrative*. Translated by Abolfazl Hari. Tehran: Farabi Cinema Foundation Publications. [In Persian]
- Genette, Gérard. (2020). *Narrative Discourse*. Translated by Maryam Tiyur Parvaz. Tehran: Mehr Andish Publishing. [In Persian]
- Falaki, Mahmoud. (2003). *Narrating the Story*. Tehran: Baztab Negar. [In Persian]
- Lintvelt, Jaap. (2011). *A Treatise on the Typology of Narrative, Point of View*. Translated by Ali Abbasi & Nosrat Hejazi. Tehran: Elmi va Farhangi. [In Persian]
- Hujwiri, Ali ibn Uthman. (2021). *Kashf al-Mahjub*. Edited by Mahmoud Abedi. Tehran: Soroush. [In Persian]



©2025 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## Study and Analysis of the Narrator's Function in Semantic Relations and the Transmission of Concepts in Kashf al-Mahjoob\*

Majid Houshang<sup>1</sup>, Zahra Ghorbani<sup>2</sup>

Received: 2025/3/4

Accepted: 2025/5/3

### Abstract

In the science of narratology, the role and function of narrators in the position of transmitting meaning and the examination of its manner have always been of interest to analysts. Since in mystical texts, understanding and comprehending the deep meaning of the text is directly dependent on the manner of its narration, examining how narrators are used in these texts can help enhance the understanding of their semantic structure. Now, this research, using a descriptive-analytical method, explains the theoretical foundations of narratologists and makes practical use of Genet's theory in the segmentation and function of narrator types to analyze examine Hujviri's Kashf al-Mahjoob. The goal is to examine the presence of each type of narrator in the structural coherence of the text and the effect of its types on the process of understanding the meaning and mystical teachings. Finally, the results of this study will show that in where the author describes the lives of the sheikhs and the descriptions of different sects, the largest number of narrators is present. The implicit or abstract narrator, which is the second self of Hujviri, is used to understand the hidden layers of meaning and corresponds to different classes of general and specific readers; the use of the narrator in this work is related to the indirect explanation of complex mystical concepts and through hidden layers in a purposeful way. The hidden narrator practically narrates the individual experiences of the mystics, which cannot be generalized, through the language of subjective and ideal narrators and subsequently will have a direct impact on the ideal and implicit audience.

**Keywords:** Mystical experience, Narrator within the text, Hidden narrator, Ali ibn Uthman ibn Ali Jalabi Hujviri, Kashf al-Mahjoob.

---

\* Doi: 10.22051/jml.2025.50559.2679

1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author): [m.houshang@alzahra.ac.ir](mailto:m.houshang@alzahra.ac.ir)

2. MA in Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran: [z.ghorbaniiii76@gmail.com](mailto:z.ghorbaniiii76@gmail.com)

Print ISSN: 2008-9384 / Online ISSN: 2538-1997